

گزارشی از برگزاری کنفرانس چهارم سازمان

کنفرانس چهارم سازمان که مطابق ضوابط اساسنامه میبایستی دو سال پس از کنفرانس سوم برگزار گردد، در اواخر شهریورماه یکهزار و سیصد و هفتاد و یک تشکیل گردید.

دستور کار کنفرانس بررسی و تصویب گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی، اصلاحاتی در برنامه و اساسنامه سازمان، تصویب قطعنامه‌های تاکتیکی و انتخاب رهبری جدید بود.

بر طبق ضوابط اساسنامه‌ای تشکیلات مسا، مسائل مورد بحث سه ماه قبل از کنفرانس در درون تشکیلات به بحث گذاشته شده بود تا رفقای که به کنفرانس دعوت شده بودند بتوانند با آمادگی لازم در مورد مسائل تصمیم بگیرند. کنفرانس با یک دقیقه سکوت به پاس بزرگ داشت شهدای سازمان و کلیه جانب‌خستگان راه سوسیالیسم کار خود را آغاز نمود. پس از انتخاب هیئت رئیسه و طی مراحل مقدماتی، گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی به بحث گذاشته شد. کلیت این گزارش با اکثریت مطلق آراء بتصویب رسید. آنگاه بحث در مورد جزئیات گزارش آغاز گردید. تزه‌های کمیته اجرائی در مورد ارزیابی اوضاع سیاسی ایران و جهان یک‌به‌یک مورد بحث قرار گرفت و بایک مورد اصلاحیه بتصویب رسیدند.

در بخش مربوط به گزارش تشکیلاتی که توأم با

گزارشی از برگزاری کنفرانس چهارم سازمان

برای تغییراتی صورت گرفت که معنای دیکتا توری پرولتاریا و وظائف آنرا روشن تر بیان میکند. این سند بشرح زیر مورد تصویب کنفرانس قرار گرفت.

بند ۹ " شرط لازم برای انقلاب اجتماعی، دیکتا توری پرولتاریا یعنی تسلط آن قدرت سیاسی است که طبقه کارگر را قادر میسازد مقاومت استثمارگران را درهم شکند، وسیع ترین دمکراسی را برای کارگران و زحمتکشان تأمین نماید، تمام مواجعی را که سرسراه هدف بزرگش قرارداد اردویمان بر ندارد و بد تجدید سازماندهی سوسیالیستی جامعه بپردازد."

هرچند که این واقعهی است سببی کند بدون دمکراسی پرولتاریا، دیکتا توری پرولتاریا هیچ معنا و مفهومی نخواهد داشت و اساساً روند دیگر دیکتا توری پرولتاریا دمکراسی پرولتاریاسته با اینهمه کنفرانس ضروری تشخیص داد که در این مسئله تأکید نماید. لذا جمیع وسیع ترین دمکراسی را برای کارگران و زحمتکشان تأمین نماید" را وارد این بند برنامه نمود.

در همان حال این هم امریست بدیهی و روشن که وظیفه دیکتا توری پرولتاریا صرفاً هم شکستن مقاومت استثمارگران نیست بلکه از آن مهمتر سازماندهی نوین جامعه بر مبنای سوسیالیستی است. با اینهمه منظور مرز بندی با ترکمیسای نادرست میبایستی در این سند برنامه این مسئله تصریح شود که وظیفه اصلی دیکتا توری پرولتاریا تجدید سازماندهی جامعه بر مبنای موازین سوسیالیستی است. لذا به سند سابق برنامه این عبارت افزوده شد " و به تعبیر سازماندهی سوسیالیستی جامعه بپردازد."

دهند، متحدین جریک دیگرمان نیز تلاشی در این زمینه مذبذول نداشته اند، برخی اساساً تعابلی به امروخت از خود نشان نداده و برخی دیگر برغم عدم وجود اختلافات اساسی ایندولوتویک-سیاسی و تشکیلاتی در این زمینه بیگریستند. گزارش کمیته اجرایی با این نتیجه گیری پایان می یافت: این واقعیات نشان میدهد که در میانه امر وحدت، موانع و عوامل دیگری نیز سواى مسائل ایندولوتویک عمل میکنند که خارج از اراده ما است. کمیته اجرایی علیرغم آنکه گمان معنقد است که با یستی به پراکنندگی صفوف کمونیستها با بیان داده شود و علیرغم اینکه مسئله وحدت را یک مسئله ضروری میدانند، با اینهمه در کوتاه مدت چشم اندازی روی این مسئله ندارند."

کنفرانس، گزارش کمیته اجرایی را در این زمینه مورد تأیید قرار داد. در عین حال تصریح نمود که مصوبات کنفرانسهای پیشین سازمان در مورد متحدین حزبی در صورتی معتبر خواهند بود که سازمانهای نامبرده به ۵ اصل وحدت حزبی اعلام شده از سوی سازمان معتقد باشند. از این پس سازمان ما همه نیروها و سازمانهای را که به ۵ اصل اعلام شده معتقد باشند، متحد حزبی خود میدانند و تنها برای این مینا میتوانند بانیهوهای دیگر وحدت حزبی داشته باشند. مسئله دیگری که در این بخش از گزارش مورد بحث و گفتگو قرار گرفت، افزایش فعالیت سیاسی سازمان بود. کنفرانس با تأکید بر این مسئله که سازمان میباید در آینده نقش فعال تری در فعالیتهای سیاسی برعهده بگیرد، به ضرورت گسترش اتحاد عمل بانیهوهای انقلابی پرداخت. این اتحاد عملها هم در برگیرنده اتحاد عملهای موردی است که مطابق آن سازمان ما مجاز است با هر نیروی انقلابی بر سر یک یا چند مطالبه مشخص اتحاد عمل موردی و موقتی داشته باشد، و هم اتحاد عمل بانیا رتروچول یک پلانفرم انقلابی-دمکراتیک برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی، جوهر یکجبین پلانفرمی نیز مسئله سرنگونی رژیم، درهم شکستن ماشین دولتی موجود و مطالبات رفاهی و دمکراتیک نوده های زحمتکش خواهد بود.

پس از اتمام مباحث مربوط به گزارش سیاسی و تشکیلاتی بحث در مورد اصلاحات برنامه ای آغاز گردید. این اصلاحات با توجه به تحولات چند سال گذشته در مقیاس جهانی و تدقیق برخی سدهای برنامه ضرورت پیدا کرد. لذا در بند ۹

مباحث مربوط به سازماندهی آتی تشکیلات بر کلیت خود یک بحث را تشکیل میدادند. بخش اعظم مباحثات در مورد حکومتی فعالیت سازمان را متمرکز گردید. کنفرانس ضمن تأکید بر این مسئله که اصلی ترین و اساسی ترین وسیله و معیار برای یک سازمان کمونیست سازماندهی و آگاهی طبقه کارگر است، به بررسی راهها و شیوه های تحقق این وظیفه پرداخت و نتیجه گرفت که اساساً تجارب پس از کنفرانس دوه و سه در هلسا و ایزراها و تحقق این وظیفه نمیتواند معکول از کمیت و کیفیت سازمان ما و شرایط نا سبی از اختناق و سرکوب حاکم بر ایران باشد. لذا ما تنها در محدوده معینی که منطبق بر توانمان باشد میباید در این جهت حرکت کنیم

بحث دیگر مسائل تشکیلاتی مربوط به مسائل سازماندهی و فعالیت در خارج از کشور بود. پس از کنفرانس سوم، رهبری سازمان مسئله سازماندهی واحدهای تشکیلاتی در کشورهای مختلف را در دستور کار قرار داد. وظیفه این واحدها دخالت فعال در جنبش کارگری در کشورهای مربوطه، حضور در اتحادیه های کارگری، بسط ارتباط با سازمانهای پناهندگان ایرانی در خارج از کشور سازماندهی هواداران و دخالت فعال در امر مبارزه علیه رژیم در خارج از کشور تعیین گردید. کنفرانس ضمن تأیید این سیاست، پیشنهاد آتی آن را در دستور کار تشکیلات قرار داد.

کنفرانس سپس دو مسئله دیگر را مورد بررسی قرار داد. نخستین مسئله بدتلاشهای چند سال گذشته سازمان در زمینه امروخت در صفوف کمونیستهای ایران مربوط بود. در گزارش کمیته اجرایی به کنفرانس آمده بود که برغم تلاشی که از کنفرانس دوم از سوی سازمان ما در زمینه امر وحدت صورت گرفت این تلاشهای چندساله برای متحقق ساختن وحدت بانیهوهای حزبی به نتیجه مطلوب رسیده است. گزارش خاطر نشان میساخت که برغم اینکه شورای عالی حتی تا مرحله انتشار یک برنامه و اساساً به مشترک نیز پیش آمده، اما از آن پس هیچگاه تلاشی برای قطعیت بخشیدن به مسئله مینول نداشته و برغد تقاضای مکرر ما مبنی بر دادن پاسخ قطعی، این پاسخ را موکول به نشست کمیته مرکزی این سازمان و کمیته مرکزی سیزپا سخ را موکول به برگزاری نشست وسیعتری نمود که عمالنا پس از گذشت حدود سه سال هنوز قرار است پاسخ قطعی خود را ارائه کند



نزارشی از بزرگاری

بی معنا و توهم انگیز خواهد بود. لذا میبایستی از برنامه حذف شود و بهمین مسئله اکتفا شود که به اصلی ترین مختصات مرحله امپریالیسم در تکامل سرمایه داری و خطرات و مصائبی که امپریالیسم برای کارگران و زحمتکشان و دروجهی عام تر علیه بشریت ببار آورده، و تشدید کلسیه تضادهای نظام سرمایه داری در این مرحله اشاره شود و این نتیجه گیری بعمل آید که عصر امپریالیسم همه شرایط عینی را برای وقوع انقلابات پرولتری فراهم آورده است و عصر انقلابات پرولتری به همراه عصر امپریالیسم فرارسیده است. درعین حال برغم شکست انقلاب سوسیالیستی اکتبر در شوروی، از انقلاب اکتبر بعنوان نمونه ای از انقلابات پرولتری این عصر یاد شود. لذا بند ۱۲ برنامه بشکلی که مورد تصویب کنفرانس قرار گرفت، به شرح زیر است:

"سرمایه داری جهانی حدوداً از آغاز قرن بیستم به مرحله امپریالیسم گام نهاده که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه داری است.

۱- امپریالیسم آن مرحله از تکامل اقتصادداری نظام سرمایه داریست که در آن انحصارات نقش تعیین کننده یافته اند. سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی ادغام شده است. مدور سرمایه به کشورهای خارجی ابعاد عظیمی بخود گرفته است. تمام جهان از نظر ارضی - سیاسی میان کشورهای امپریالیست تقسیم گشته و تقسیم اقتصادی جهان میان انحصارات بین المللی آغاز شده است.

۲- در این مرحله از تکامل سرمایه داری، جنگهای امپریالیستی که بارزترین نمونه آنها جنگ جهانی اول و دوم بوده است، برای تسلط بر جهان، کسب بازارهای جدید و انقیاد ملل عقب مانده اجتناب ناپذیر شده است.

۳- سطح فوق العاده بالای تکامل سرمایه داری، تمرکز فوق العاده عالی تولید که روندهای اجتماعی شدن تولید را بعداً اعلامی خود رسانده است، سلطه انحصارات و سرمایه مالی، رشد میلیتاریسم و خطرات و فجایع جنگهای امپریالیستی، موانع عظیمی که امپریالیسم بر سر راه مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر پدید آورده است، افزایش هزینه های زندگی و فشارهای ناشی از آن، فقر، فلاکت و عدم اعتماد به آینده، همه این عوامل، مرحله کنونی تکامل سرمایه داری را به عصر انقلابات پرولتاریائی تبدیل نموده که بارزترین نمود آن انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بوده است.

۴- تنها انقلاب سوسیالیستی پرولتاریائی میتواند بشریت را از شر جنگها و تمام مصائبی که امپریالیسم ببار آورده است، نجات دهد."

در بند ۱۲ برنامه نیز که به مرزبندی با اشکال مختلف اپورتونیزم اختصاص یافته بود، پس از فروپاشی اردوگاه، ضرورت برخی مرزبندیها زائد شده بود، از اینرو لازم بود که بخشی از مرزبندیهای مندرج در این بند حذف شوند و مرزبندیهای اساسی تر حفظ گردند، لذا کنفرانس چهارم بند ۱۲ برنامه را بشرح زیر تصویب نمود:

"- فرارسیدن عصر انقلابات پرولتاریائی، امر آماده نمودن همه جانبه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی، برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم به وظیفه مبرم روز تبدیل نموده است.

انجام این وظیفه، مبارزه همه جانبه ای را علیه تمام اشکال اپورتونیزم و گسست قطعی از آنها را می طلبد که به صورت مختلف موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی، رسالت تاریخی، هدف نهائی و اتحاد و همبستگی بین المللی پرولتاریا محسوب میگردند.

۱- بارزترین نمونه تحریف بورژوازی سوسیالیسم، سوسیال - دمکراسی و دیگر جریانهاست اپورتونیزم در فرمیست اند که با نفی نظریه یا عملی دیکتاتوری پرولتاریا، لزوم الغاء مالکیت خصوصی و انکار عصر کنونی بعنوان عصر انقلابات پرولتاریائی، مارکسیسم - لنینیسم را نفی و تحریف نموده و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را در پیش گرفته اند. کلیه این جریانها مرتد و خائن به طبقه کارگر محسوب میگردند."

تغییر دیگری که در برنامه صورت گرفت در بخش مربوط به سیاست خارجی بود. در بند اول این بخش فرمولبندی دقیق تری بشرح زیر تصویب گردید:

"۱- حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی از جنبش انقلابی طبقه کارگر و جنبشهای انقلابی - دمکراتیک ضد امپریالیست بر سراسر جهان."

در زمینه مسائل اساسنامه ای تنها اصلاحی که صورت گرفت، مربوط به ماده ۹ اساسنامه سازمان بود که دوره آزمایشی عضویت را حداقل یکسال فعالیت در ایران میدانست. این ماده در کنفرانس چهارم به شکل زیر اصلاح گردید:

"دوره آزمایشی عضویت حداقل یکسال است..."

این اصلاح در ماده ۹ از آنرو صورت گرفت که به شکل قبلی غیر اصولی بود و نیروهائی را که در خارج از کشور در صفوف سازمان فعالیت میکنند از عضویت در صفوف سازمان محروم میساخت. با این اصلاح اساسنامه ای، رفقا شیکه در خارج از کشور فعالیت میکنند با پذیرش برنامه و ضوابط اساسنامه ای میتوانند به عضویت سازمان درآیند و همچون هر عضو دیگر سازمان از حقوق و وظایف یک عضو برخوردار باشند.

پس از اصلاحات برنامه ای و اساسنامه ای،

بررسی و تصویب قطعنامه ها در دستور کار قرار گرفت. یک قطعنامه در مورد وظیفه مبرم و فوری پرولتاریای ایران در انقلاب، مضمون بندهای طبقاتی در انقلاب، مضمون طبقاتی دولتی که میباید جایگزین رژیم حاکم شود و نوع این نولت بسط تصویب رسید.

درست است که در گذشته نیز مواضع سازمان در این موارد بقدر کافی از صراحت لازم برخوردار بوده است و حتی این مواضع در برنامه سازمان نیز انعکاس یافته است، اما با توجه به اوضاع ایران و جهان لازم بود بار دیگر بر این مواضع تاکید شود و بصورت یک قطعنامه مصوب درآید.

(قطعنامه شماره یک)

قطعنامه دیگر که بتصویب رسید، مربوط به مبانی وحدت کمونیستهاست. در فاصله میان کنفرانس سوم و چهارم، کمیته اجرایی سازمان با توجه به نیاز مبرم مسئله وحدت و بحث و نظر خواهی از رفقای تشکیلات ۵ اصل را که اصلی ترین مسائل برنامه ای، تاکتیکی و اساسنامه ای است بعنوان مبانی وحدت کمونیستها در سطح جنبش منتشر ساخته بود و بر مبنای آنها وارد مذاکره با جریانها دیگر شده بود. ضروری بود که کنفرانس چهارم در این مورد نیز اتخاذ تصمیم نماید. لذا کنفرانس این قطعنامه را تصویب نمود که از این پس بعنوان نظر مصوب و رسمی سازمان در سطح جنبش انتشار یابد.

(قطعنامه شماره دو)

طرح یک قطعنامه در مورد تحولات شوروی و اروپای شرقی نیز مورد بحث کنفرانس قرار گرفت، اما از آنجا شیکه مضمون این قطعنامه که به شکست انقلابات در این کشورها اختصاص یافته بود در گزارش سیاسی آمده بود، کنفرانس تصویب یک قطعنامه مجزا را در این مورد ضروری تشخیص نداد و ریشه یابی و علل این شکستها را بصورت یک مسئله مورد بحث که نیاز به مباحثه همه جانبه تری دارد، بازگذاشت.

آخرین قطعنامه ای که به تصویب رسید، قطعنامه مربوط به شیوه برخورد به سازمان فدائی بود. در جریان مباحثات ما قبل کنفرانس سه طرح قطعنامه بشرح زیر در نرون تشکیلات به بحث گذاشته شده بود.

با کمکهای مالی خود
سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران
(اقلیت)
را یاری رسانید

طرح قطعنامه در مورد شیوه برخورد به "سازمان فدائی-ایران"
طرح (۱)

نظریه اینکه سازمان فدائی که از وحدت سازمان آزادی کار و بخشی از نیروهای سازمان فدائیان خلق تشکیل گردید، در برنامه مصوب اسفند ماه ۶۸ خود اعتقاد به ۱- دیکتاتوری پرولتاریا (بند ۴ برنامه)، ۲- الغاء مالکیت خصوصی (بند ۳ برنامه)، ۳- عصر کمونی بعنوان عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی (بندهای ۷ و ۹ برنامه)، ۴- استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان هدف مقدم پرولتاریای ایران (بندهای ۲۰، ۲۱ و ۳۵ برنامه) را اعلام نموده است.

نظریه اینکه این سازمان برغم برخی انحرافات برنامه‌ای و تاکتیکی راست رواند، طی سه سالی که از موجودیت آن گذشته پرمجموع دارای عملکردی انقلابی بوده، از مارکسیسم - لنینیسم، طبقه کارگر و تحولات انقلابی در ایران دفاع نموده است.

لذا مقتضی است که مادام که این سازمان از مواضع فوق الذکر دفاع نموده و از یک خط مشی انقلابی پیروی میکند، با آن بعنوان یک سازمان مارکسیست - لنینیست برخورد شود.

طرح (۲)

نظریه اینکه "سازمان فدائی-ایران" که از اتحاد "آزادی کار" با بخشی از نیروهای "فدائیان خلق" (جناح کشتگر) ایجاد شده است، به حسب برنامه و مواضع اعلام شده و همچنین عملکرد تاکنونی اش، از انجام تحولات انقلابی - دمکراتیک در ایران دفاع می نماید.

لذا کنفرانس، این سازمان را ما هیئت انقلابی ارزیابی نموده و مقرر میدارد با آن بعنوان یک سازمان انقلابی برخورد شود.

طرح (۳)

سازمان فدائی جریانی نایک دست و متشکل از گرایشات مختلفی است. مجموعه ای از گرایشهای فرمیستی، سانتر تا چپ انقلابی و مارکسیستی این سازمان را تشکیل داده است. گرایش نخست اکثریتی بزرگ و گرایش اخیر، اقلیت بسیار محدودی را تشکیل میدهند. این جریان که از یک سو به انجام تحولات انقلابی - دمکراتیک در ایران علاقه نشان میدهد، اما از دیگر سو، تمایلات لیبرال - فرمیستی خود را نیز پنهان نکرده و تحولاتی در همین چارچوب را بعیان میکشد. موضوعی که البته هم در برنامه این سازمان (که اساسا همان برنامه قبلی اکثریت جناح کشتگر است) و هم در عملکرد و ائتلاف هایش با دیگر نیروها خود را منعکس میسازد، معهدا هم اکنون در صف انقلاب قرار دارد و سازمان ما بایستی با این جریان وارد اتحاد عمل گردد. این اتحاد عمل درست و سوی این جریان در تحولات جاری و یا در جهت گیریهای آتی، تاثیرات مثبتی دارد، به رادیکالیزه شدن آن کمک خواهد کرد و گرایش چپ انقلابی آنرا نیز تقویت خواهد نمود.

پس از مباحثاتی که در کنفرانس حول این سه قطعنامه صورت گرفت، در دور اول هیچکدام نتوانستند آراء لازم را بدست آورند. لذا به کمیسیون راجع گردیدند و پس از اصلاحاتی مجدداً به رای گذاشته شدند که یک طرح با اکثریت نسبی آراء به تصویب رسید.

(قطعنامه شماره سه)

کنفرانس سپس رهبری جدید سازمان را انتخاب نمود و با ورود انترناسیونال بکار خود پایان داد. لازم بذکر است که بجز در یکی، دو مورد کلیه مصوبات کنفرانس با اکثریت مطلق آراء و گاه اتفاق آراء به تصویب رسیدند.

